

فناوری، از پیش داوری تا واقعیت

 ۸۱۴

معصوم شیخ‌الاسلامی

آموزگار دبستان شهدای حاج عمران شهرستان بروجرد

دانش‌آموزان در استفاده درست از رایانه این است که والدین در کنار دانش‌آموزان از رایانه استفاده کنند. همچنین از آن‌ها خواستیم، برنامه‌ای خاص برای استفاده داشته باشند و برای مدت محدودی رایانه را در اختیار کودکان بگذارند و روی این موضوع نظارت داشته باشند. توضیح دادم که خواه یا ناخواه بچه‌ها به این دنیا وارد می‌شوند، پس چه بهتر به جای خانه دوست یا فامیل، تحت نظارت خود اولیا این اتفاق بیفتد.

اما مشکل دوم آنجا شروع شد که ما در مدرسه برای آموزش بچه‌ها فقط یک رایانه در اختیار داشتیم. البته مدیر مدرسه برای خرید چند دستگاه رایانه اقدام کرده بود، اما به دلیل تغییر قیمت‌ها و مشکلات دیگر، این موضوع به تعویق افتاد. بنابراین تصمیم گرفتم زمان آموزش فناوری را با آموزش کار جابه‌جا کنم و فناوری را به نیمه دوم موکول کردم. اما متأسفانه خرید و نصب وسایل بیشتر از آنچه که فکر می‌کردیم، به طول انجامید.

اواخر بهمن ماه تصمیم گرفتم که فناوری را با همان یک رایانه تدریس کنم، چون به نظر خود خیلی عقب افتاده بودم. بنابراین ابتدا طبق ارزشیابی تشخیصی که انجام دادم، متوجه شدم پنج نفر از دانش‌آموزان کلاس تا به حال دستشان به رایانه نخورده و به هیچ وجه با حروف انگلیسی هم آشنا نیستند. فقط هفت نفر رایانه داشتند و بقیه از رایانه‌های اقوامشان استفاده می‌کردند و فقط با بازی‌های رایانه‌ای آشنایی داشتند.

درس اول «آشنایی با سخت‌افزار» بود و تقریباً بدون مشکل انجام شد. درس دوم «آشنایی اولیه با روشن و خاموش کردن رایانه و مهارت‌های اولیه کار با آن بود که این مورد هم به سرعت فرا گرفته شد. ضمن اینکه از سرعت یادگیری لذت می‌بردم، با خود می‌گفتم این درس‌ها آسان‌اند و نتیجه بعداً معلوم می‌شود.

نوبت به آموزش «نقاشی» (paint) رسید که مشکل بعدی هم خود را نشان داد. با نصب فارسی‌ساز تصمیم گرفتم مشکل آشنا نبودن دانش‌آموزان با زبان انگلیسی را حل کنم. اما بعد از تدریس، هم خودم سردرگم شده بودم و هم دانش‌آموزانی که تا حدودی با رایانه آشنا بودند. آن‌هایی هم که آشنایی نداشتند، با واژه‌های نامأنوس فارسی مواجه شده بودند و منفعلانه مرا نگاه می‌کردند. واقعیت این بود که ترجمه واژه‌های انگلیسی به خوبی صورت نگرفته بود. به این ترتیب، در آن جلسه نتیجه‌ای نگرفتم و البته اعتراض بچه‌ها را نیز داشتم. آن‌ها معتقد بودند که رایانه‌های خود و اقوامشان انگلیسی است و نمی‌توانند با این

کلاس ششم با همه دغدغه‌ها، کتاب‌های تازه، دوره‌های تمام و شتابناک ضمن خدمت، نگرانی‌های اولیا و اضافه شدن بعضی درس‌ها آغاز شد. قبل از شروع مهر، در کلاس‌های ضمن خدمت تقریباً با محتوای کتاب‌ها آشنا شدیم. از همان روزهای شروع کلاس‌ها کتاب فناوری موجب دغدغه‌های چندی برای معلمان شده بود؛ مانند:

- نبود رایانه و امکانات مناسب در مدارس؛
- آشنا نبودن تعدادی از معلمان با رایانه؛
- آشنا نبودن تعدادی از دانش‌آموزان با زبان انگلیسی؛
- فقدان رایانه در خانه‌های دانش‌آموزان؛
- و...

به‌عنوان معلم پایه ششم بیشترین نگرانی من آشنا نبودن دانش‌آموزان با زبان انگلیسی بود که به نظرم مشکلی حل نشدنی می‌آمد. صادقانه بگویم که پیش‌داوری این‌جانب بر عدم موفقیت این طرح استوار بود؛ هر چند که به مدرسان توصیه شده بود، از نرم‌افزار فارسی‌ساز استفاده کنند.

با شروع سال تحصیلی و تشکیل اولین جلسه با اولیا متوجه شدم که آن‌ها درباره کتاب‌های پایه ششم گمانه‌زنی‌هایی انجام داده‌اند و حدس می‌زنند کتاب‌ها شبیه کتاب‌های دوره اول راهنمایی باشد. اما اطلاعاتی درباره دو کتاب «فناوری» و «تفکر و پژوهش» نداشتند. از همین رو بیشتر سؤال‌هایی که در جلسه اول ملاقات می‌پرسیدند، از محتوا و نحوه ارزشیابی این دو کتاب بود.

چون در مدرسه‌ای کار می‌کردم که دانش‌آموزان آن از نظر طبقه اقتصادی متوسط بودند، در جلسه اول توصیه کردم در صورت امکان خانواده‌ها رایانه بخرند تا فرزندانشان هرچه زودتر وارد دنیای فناوری شوند. مشکل آغاز شد. بعضی از خانواده‌ها نسبت به این موضوع موضع گرفتند و دلایلشان موارد زیر بود:

- تلف شدن وقت دانش‌آموز با رایانه؛
- اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و غفلت از درس؛
- آشنایی و ورود به اینترنت و استفاده از سایت‌های نادرست؛
- مشکلات مالی برای خرید رایانه.

در حالی که تا حدودی با اولیا موافق بودم، اما با آن‌ها صحبت کردم و خواستار آموزش دیدن خودشان در کنار بچه‌ها شدم. توضیح دادم که بهترین راه هدایت

هر بار سه نفر از دانش‌آموزان ضعیف، متوسط و قوی کنار رایانه می‌نشستند. دانش‌آموز ضعیف با کمک دانش‌آموز متوسط به صورت عملی دستورالعمل‌ها را انجام می‌داد و دانش‌آموز قوی به صورت گفتاری آن‌ها را راهنمایی می‌کرد



آشنایی مختصری با فناوری پیدا کرده بودند که به نظر من خیلی عالی بود. البته مشکل دیگر انجام تکلیف بود. اکثراً دانش‌آموزان به دلیل نداشتن رایانه تکلیف‌ها را انجام نمی‌دادند؛ هرچند که از آن‌ها خواسته بودم، برای انجام تکالیف از رایانه‌های اقوامشان استفاده کنند. با توجه به تجربهٔ امسال می‌توانم برخی مزایا و کاستی‌های کتاب فناوری را به شرح زیر بیان کنم:

کاستی‌ها

- وجود برخی اشکالات محتوایی و نیاز به تغییرات جزئی در ترتیب ارائه محتوا و فصل‌بندی کتاب؛
- کمبود وقت برای تدریس و ارزشیابی؛
- نبود امکانات لازم در مدرسه؛
- فقدان رایانه در خانه‌ها انجام نشدن تکالیف و تمرین نکردن؛
- سطح متفاوت دانش‌آموزان در کلاس و شرمندگی عده‌ای و خستگی گروهی دیگر؛
- احساس حقارت برای دانش‌آموزانی که توان مالی خرید رایانه را ندارند و جاماندگی این گروه از بعضی فعالیت‌ها؛
- آشنا نبودن برخی معلمان با رایانه.

مزایا

- فراهم آمدن امکان یادگیری فناوری روز برای همهٔ اقشار جامعه؛
 - میسر شدن استفادهٔ دانش‌آموزان طبقهٔ اقتصادی پایین از رایانه؛
 - مورد نیاز جامعه بودن این درس؛
 - مورد علاقهٔ دانش‌آموزان بودن؛
 - رد و بدل کردن اطلاعات و یافته‌های تازه در زنگ‌های تفریح و ایجاد انگیزه برای یادگیری بیشتر بین دانش‌آموزان.
- در آخرین روزهای سال، هنگامی که به آموزش استفاده از شبکهٔ رشد و اینترنت پرداختم، پس از ۲۰ سال تدریس، اولین باری بود که از دهان تک‌تک بچه‌ها سپاس‌گزاری مخصوص برای آموزش این درس را می‌شنیدم! آن روز به خود گفتم:
- گر همت و غیرت بودت پیشهٔ کار
هر کار گران سهل شود هم آسان

دوگانگی‌ها مطالب کلاس را به خوبی یاد بگیرند. تصمیم گرفتم یک بار هم زبان انگلیسی را تمرین کنم.

هفته بعد که کلاس فناوری شروع شد، چند واژهٔ مهم انگلیسی مانند cut، save، copy و... را روی تابلو نوشتیم و مفهوم آن‌ها را توضیح دادم. اشتیاق بچه‌ها برای یادگیری و یادداشت‌برداری، و سؤال‌های خوبی که در این زمینه‌ها مطرح کردند، برایم خیلی جالب بود.

به هر حال کلاس بعدی بدون فارسی‌ساز تدریس شد و نتیجه باورنکردنی بود. با اینکه به روش سخنرانی و با استفاده از یک رایانه تدریس کردم، اغلب دانش‌آموزان راضی از کلاس بیرون رفتند. بنابراین تدریس را با یک تغییر دیگر ادامه دادم. به دلیل اینکه یک رایانه در اختیار داشتم، برای آموزش هر درسی ابتدا از دانش‌آموزانی که با رایانه آشنایی نداشتند، استفاده می‌کردم. از آن‌ها می‌خواستم کارهایی را که می‌گویم به صورت عملی و مرحله به مرحله انجام دهند. ابتدا کار خیلی کند پیش می‌رفت، بنابراین از دانش‌آموزان متوسط نیز در کنارشان استفاده کردم. از دانش‌آموزان قوی هم خواستم که به صورت گفتاری دوستانشان را راهنمایی کنند. یعنی هر بار سه نفر از دانش‌آموزان ضعیف، متوسط و قوی کنار رایانه می‌نشستند. دانش‌آموز ضعیف با کمک دانش‌آموز متوسط به صورت عملی دستورالعمل‌ها را انجام می‌داد و دانش‌آموز قوی به صورت گفتاری آن‌ها را راهنمایی می‌کرد. نتیجه خوب بود و در یک جلسه تقریباً همهٔ بچه‌ها مرحله به مرحله و در گروه‌های سه نفری کنار رایانه آمدند. جلسات کم‌کم سپری می‌شدند و یادگیری بچه‌ها و علاقه‌شان فوق‌العاده بود. به پیشنهاد خود دانش‌آموزان، آن‌هایی که در ساعات ورزش در تیم ذخیره قرار می‌گرفتند و باید صبر می‌کردند تا نوبت به بازی‌شان برسد، به کار با رایانه مشغول می‌شدند.

در نهایت شاید نتیجه خیلی عالی نشد، اما حداقل بچه‌های ضعیف

